

خروج نیروهای نظامی آمریکا از افغانستان

ورود فریبنده ی آمریکا در سایه جنگنده های نظامی اش در این کشور، واقعاً با همان شعارهای بسط دموکراسی، دفاع از حقوق زن و مردم سالاری بود.

یکی از تئوری پردازان آمریکا گفته بود که: «آمریکا به پنهانی ی نفی و بسط قدرت استعماری خویش؛ باید بسط دموکراسی را سبوتاز کند.» به همین اساس ورود فریبنده ی آمریکا در سایه جنگنده های نظامی اش در این کشور، واقعاً با همان شعارهای بسط دموکراسی، دفاع از حقوق زن و مردم سالاری بود. جامعه ی ظاهر بین و مردم خسته از جنگ افغانستان، با نگاهی به شعارهای آن، آمدن آمریکایی ها را چالش زدا حتی به مثابه ی فرشته ی نجات تلقی می کردند. اما آمریکایی ها مدتی بیش از چندین سال که در این کشور حضور نیرومند نظامی داشتند، گامی کوچکی در راستای بهبود وضعیت سیاسی - اجتماعی کشور ما پر نداشتند...



سال چهارم * شماره ۶۸ * شنبه ۱۵ جوزا ۱۴۰۰ * ۵ جون ۲۰۲۱

تحلیل

احسان

شورای عالی دولت؛

تجربه ناکام در افغانستان!

در زمان حکومت شهید استاد ربانی نیز شورای عالی دولت که متشکل از مسئولین و سران احزاب تشکیل گردیده بود. با وجودیکه استاد ربانی شهید شخصیت عالم و ظاهرآ آدم خیلی نرمخو و در مقابل حرف کسی چیززی نمی گفت با آنها هم تصامیم این شورا همان مثل معروف به روی بیخ بنویس و به آفتاب بگذارد بود.

در این روز ها که بازهم زمره تشکیل شورای عالی دولت برسر زبانهها است یکبار دیگر میبینیم که اعضای معرفی شده اکثراً همانهای هستند که در شورای عالی دولت زمان حکومت استاد ربانی بودند. اگر بنا باشد که واضح تر بعرض برسانیم همانهاییکه برجستگی نقشی شان در خرابی های کابل و دیگر ولایات کاملاً برجسته و غیر قابل کتمان است. مهره های سوخته ای که انتخابات اخیر کاملاً از روی ادعا های سوچ شان مبنی بر قیومیت مردم پرده برداشت.

به اعتقاد ما چنانچه اگر این شورا با همین ترکیبی که به معرفی گرفته شده آغاز بکار نماید برای اکثریت مردم و جریان های سیاسی غیر قابل قبول است. این ترکیب از نظر ما کاملاً غیر واقع بینانه و ناقص است.

زیرا تعداد افرادی که شامل این ترکیب هستند و گمان میشود که نمایندگان قشری از جامعه افغانستانی هستند کاملاً غیر واقع بینانه میباشد، چنانچه اگر کسی این سخن را قبول ندارد بقتول معروف سینستان دور میدان نزدیک. ترکیب موجود این شورا کاملاً ناقص و غیر واقع بینانه است.

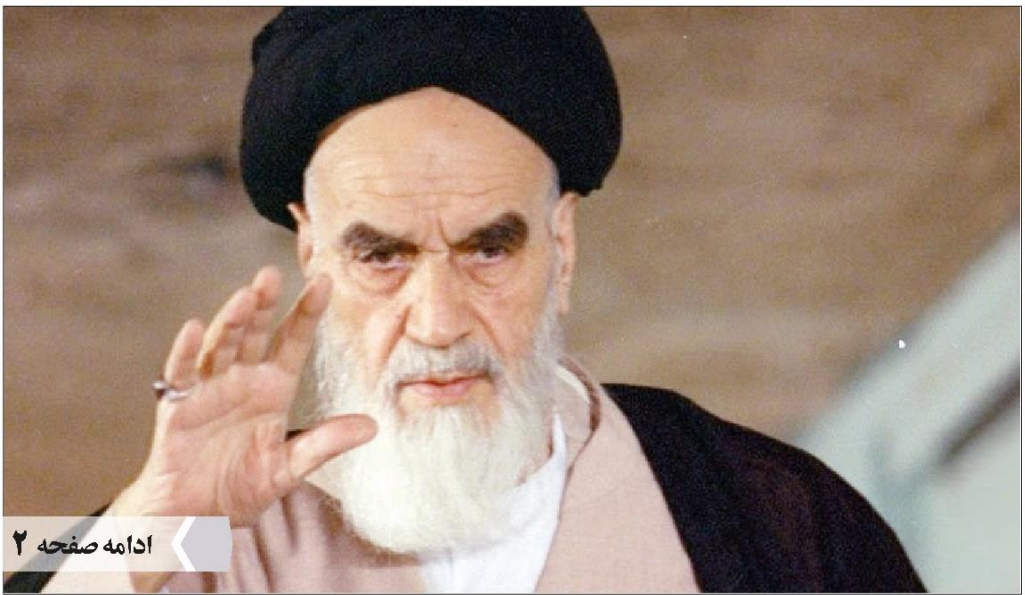
از طرف دیگر شکی نیست که اولاً این شورا بنگ شورای مشورتی که مشوره هایش هم همان ضرب المثلی است که فوقاً ذکر شد و اگر چنانچه به تصامیمش هم واقعی گذاشته شود قطعاً در تعارض با تصامیم پارلمان قرار گرفته و نهایتاً باعث بروز مشکلات عدیده ای خواهد شد.

بنابراین طرح ما در این زمینه اینست که بزرگان و دست اندر کاران در پی ایجاد هماهنگی بین قوای ثلاثه کشور که همه کاملاً قانونی است باشند، در این صورت اکثر مشکلات و معضلات موجود با این هماهنگی حتماً حل خواهد شد.

این کار به اعتقاد ما هیچگونه عوارضی هم در پی نخواهد داشت.

سی و دومین سالگرد ارتحال ملکوتی حضرت امام خمینی (ره) را گرامی میداریم

چهاردهم جوزا مصادف است با سی و دومین سالگرد ارتحال ملکوتی عارف وارسته و فرزانه، سیاست مدار مدیر، رهبر محبوب القلوب مستضعفان جهان، بنیان گذار تفکر حکومت بر محوریت دین امام خمینی رحمت الله علیه.



ادامه صفحه ۲

گفتمان جامعه مدنی چیست؟

معادل واژه جامعه مدنی در غرب Civil Society است به معنای جامعه شهروندان است از جمله مفاهیمیست که عمر طولانی و رهاورد های عملی و متنوع در فرایند تکامل جوامع بشری در امتداد تاریخ دارد مبنی تیوریک آن از زمان ارسطو تا رنسانس و عصر دیموکراسی همرا با تکامل جوامع انسانی مسیر روبه گسترش را پیموده و امروز جامعه مدنی بستر زایشها و نیواری های نسلیست که غنغنه حاکمیت قانون و دیدگاه حکمتناز بر مبنای حقوق بشر و حقوق شهروندی را ادبیل میکنند و میخوانند...

ادامه صفحه ۳

روز جهانی کودک؛

شش میلیون کودک در افغانستان در معرض خطر قرار دارند

وزارت کار و امور اجتماعی به مناسبت روز جهانی کودک می گوید که شش میلیون کودک در افغانستان در ۲۳ کنگوری در معرض خطر قرار دارند که یک میلیون آن معضات به سواد مخدر می باشند. غلام حیدر جیلانی، معین امور اجتماعی وزارت کار و امور اجتماعی در مراسم تجلیل از روز جهانی کودک در کابل، از میزان بالای آسیب پذیری ...

ادامه صفحه ۲

با آغاز خروج نیروهای خارجی؛ برتری نیروهای امنیتی در میدان جنگ

البته سقوط یکی دو ولسوالی در بعضی از ولایات که آنهم بقول رهبران نظامی عقب نشینی تاکتیکی بوده است و به فرض تصرف با زور بازهم نمیتواند بیانگر تفوق نظامی آنها باشد.



نتیجه رسیده اند که دیگر جنگ نمیتواند راه حل مشکل موجود باشد و از همین روست که زمره های اختلاف از میان ایشان شنیده میشود و بعضاً حتی حاضر نیستند که نه تنها در این جنگ ها سهم بگیرند بلکه مخالفت خویش را نیز نسبت به آن ابراز نموده اند. چنانچه در تمام خطوط مقدم نبرد از هلمند تا لغمان و از قندهار تا غزنی و در نبرد های شدید در بیشتر از ۷۵ ولایت دست بالای طالبان را بسته است و استراتژی کلان طالبان که همانا تصرف سرزمینی است با ناکامی مواجه کرده است. لایق فکر دولت و استراتژیست های حکومتی با اتخاذ بازی دوگانه یعنی هم میدان هم دیپلماسی تا این جای کار موفقانه عمل کرده است و به نحوی نبض بازی صلح و جنگ افغانستان را به دست دارد. حمایت های مردمی و اجماع سیاسی دارد حول محور جمهوری با سیاست مقاومت شکل می گیرد و این به معنای آن است که در این دولت با طالبان، جمهوری با شلیک تیر خلاص بر امارت پیروزی را جشن خواهد گرفت، مگر اینکه انکشافات سویه های خارجی بجران افغانستان مسیر خلاف آنچه گفته آمدیم را پیماید.

غلام علی صلح

خروج زود هنگام و غیر مسئولانه نیرو های امریکایی از کشور یکبار دیگر متخالفین و کشور پاکستان را که در راس ایشان است، به این امید اناخت که میتوانند افغانستان را تسخیر و یا حداقل با تصرف چند ولایت برتری نظامی خود را به اثبات برسانند. به همین منظور حملات وسیع و گسترده ای را تحت نظر جنرالان خود که مسمی به «شیخ» ها هستند و تا حال چندین تن ایشان به سرای اعمال تجاوز کارانه خود رسیده آغاز نمودند. جنگ های شدید در قندهار، هلمند، لغمان، بغلان، جوزجان، سرپل و میدان همه در پیروی از تفکر فوق بوده است که خوشبختانه در تمام نقاطی که جنگ ها را بصورت خیلی وحشیانه آغاز کردند به شکست مواجه گردیدند که آمار و ارقام شاهد این مدعا است. البته سقوط یکی دو ولسوالی در بعضی از ولایات که آنهم بقول رهبران نظامی عقب نشینی تاکتیکی بوده است و به فرض تصرف با زور بازهم نمیتواند بیانگر تفوق نظامی آنها باشد.

گزارش های پخش شده از طریق رسانه های بیطرف بیانگر اینست که در این جنگ ها طالبان تلفاتی را متحمل گردیدند که هرگز قادر به جبران آن نیستند. علاوه بر این تمسدا کتیری از ایشان حتی در سطح رهبری این گروه به این

خروج نیروهای نظامی از افغانستان

با مردم افغانستان مشکلات حضور و خروج شان را ممکن ساخته تا مردم هم بتوانند بعد از خروج نیروهای نظامی آمریکا دست کم برای زیستن و برای مبارزه با دشمنان تمامیت ارضی و حاکمیت ملی خویش سازوکارهای شفاف داشته باشند.



تر شود و اگر این سرزمین بار دیگر، خراب، ویرانه و تبدیل به عرصه نسل کشی و قتل عام گردد، آیا مسؤلیت همه ی اینها به دوش آمریکا نخواهد بود؟ ما فکر میکنیم، آمریکایی ها چون شفافیت در اهداف، مبارزه و موضع گیری های شان نداشتند، بدین جهت تلخ ترین شکست را در تاریخ قدرت طلبی های خویش نصیب شده اند، شکستی که با آنهمه تلخی در عین حال بسیار نرم، ملایم اما خیلی دوام دار و همیشگی خواهد بود، بهترین طرح با تنوری برای آمریکا این است که حضور شان را و هم اکنون خروج شان را قانونمند سازند و در یک تعامل مثبت

فلسفه ی حضور آمریکا در این خطه ی از خاک، تنها حضور اش بوده است و شعار مبارزه با تروریسم و جنگیدن علیه گروه های تبه کار، فرایندی بود که آمریکا به حضور نظامی خویش، توسط آن مشروعت می بخشید، اما اکنون که آمریکا میخواهد نیروهای نظامی شان را از افغانستان خارج کند، این خروج نه مسؤله است و نه هم مشروعت دارد.

افغانستان اکنون غرق بحران، آشفته و نابسامانی های سیاسی و در حال درگیری با گروه های تروریستی می باشد، وقتی آمدن آمریکا را مبارزه با تروریسم مشروعت می بخشند، آیا اکنون هجوم گروه های تروریستی و مبارزه های تند بنیاد گرایان علیه مردم افغانستان، خروج غیر مسؤله ی نظامی های آمریکا را غیر مشروع نمی سازد؟ اگر این کشور بار دیگر، در کام جنگ های داخلی سقوط کند و اگر ماشین جنگی گروه های تروریستی علیه این مردم فعال

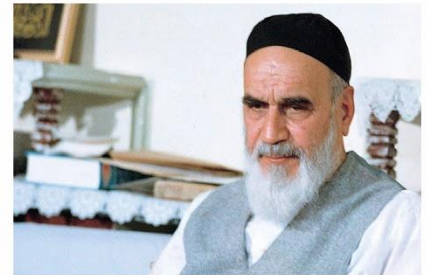
سی و دومین سالگرد ارتحال ملکوتی

حضرت امام خمینی (ره) را گرامی میداریم

انقلاب در یک فرآیند میلیونی و تولید میلیونی آری؛ بر نظام جمهوری اسلامی را میتوان به کنکاش گرفت و عمق عظمت و بزرگی این عارف بزرگ و رهبر اجناسی ارزش های دینی را با واژگان رهبری، پیر و مراد دل هامحبوب القلوب ستم دیدگان جهان، ساده زیستن در اوج شکوه و اقتدار را دریافت تا ره آوردی مختصری بر زندگی این بزرگ مردی از تاریخ معاصر جهان اسلام باشد.

امام خمینی رح محبوب دل های میلیونی درد دیدگان تاریخ که اوج شکوه و پذیرش وجودش در جنرفیاضی بشری جهان مبارزه است و امید و رحلت ملکوتیش پیام آزادی، متانت و عزت نفس است در گردونه همیشگی تاریخ، توکل بر خدا، پایداری در جهت استمرار ارزش های مبتنی بر عدالت و فعالیت های کرداری و رفتاری و جودیش، نقش آفرینی الگوهای یک رهبر با تدبیر برای رهروان و آزادسردان جامعه بشری در ازمنه ها سینه به سینه ماندگار همیشگی تاریخ خواهد بود.

الله که در طول حیات پیرایش با کوله باری از مسؤلیت دینی و با ظرافت های احیاء گری ارزش های مرتبط با اسلام در جهت حرکت جنبش های آزادی بخش اسلامی قدم برداشت تا اسلام را از حاشیه های رکود و خاموشی انزوا گرایانه ای متولیان دین، در متن نظام سیاسی با پیروزی انقلاب اسلامی در بیست و دوم دلو سال ۱۳۵۷ اقرار دهد تا تبلوری از نوع حکومت داری دینی در تاریخ معاصر جهان باشد، ابعاد شخصیتی امام در کارکنتر های رهبری دینی، سیاست مدار آگاه بر نظم سیاسی جهان، رهبری انقلاب عظیم اسلامی و بسیج مجموعه ای نیرو های انقلابی جامعه از لایه های نامگون و نا متجانس فکری بر محوریت انقلاب و دید نافذ و دقیق بر سنگ بنا های نظام مولود



چهاردهم جوزا مصادف است با سی و دومین سالگرد ارتحال ملکوتی عارف وارسته و فرزانه، سیاست مدار مندر، رهبر محبوب القلوب مستضعفان جهان، بنیان گذار تفکر حکومت بر محوریت دین امام خمینی رحمت الله علیه. مردی از تبار سلاله ای پاک رسول

اگر طالبان به صلح باور دارند، چرا به قتل کارگران داخل شهری کمر بسته اند

هیچگونه باز خورد مفید به آنان نخواهد داشت، تنها یک مورد از دل این جنایات قابل مشاهده است که آنان همچنان دشمنی خود در برابر رفاه و آسایش این مردم را با پرچا نگهداشته اند. این اولین حمله نیست و آخرین حمله هم نخواهد بود، این گروه با ارتکاب چنین جنایات می خواهند که هدف شان را جهت تسلیمی مردم و رسیدن به قدرت تعقیب نمایند؛ اما این خام خیالی است که در قرن ۲۱ و با این سطح جهان بینی وسیع، مردم افغانستان بخواهند به جبر و اکراهی تسلیم گردند که یک اقلیت زورگور و تباه کننده که اعماق ضمیر شان با خون این مردم رنگین گردیده است تسلیم گردند. از این رو اگر طالبان راست می گویند و خواهان صلح اند چرا در مدت نزدیک به یکسال که این پروسه افتتاح گردیده است از مذاکرات طفره می روند و شیبه موش و گربه بازی با این پروسه ملی رفتار می نمایند.

فرصت و زمینه ی صلح از دست برود، بهتر است که طالبان از بهانه جویی صرف نظر نموده و با هیأت دولت که هم اکنون در دوحه قطر در جوار شان قرار دارد دروازه اطلاق قفل شده ی گفتگوها را گشوده و به ختم جنگ و خونریزی جواب مثبت دهند.

تفنگ و بوی باروت را بر صلح و گفتگو مقدم می شمارد. در حالی که هیأت صلح دولت در دوحه به سر می برد چه لزومی دارد که آنان در دل اجتماع و میان مردم، انفجار و انتحار را روز افزون نموده و پی گناه ترین مردم این مرز و بوم را مورد هدف قرار می دهند. حملات آنان رخ دیگری از سیاهی تاریخ را بنام خود ثبت کرد، حالا تاکتیک شان بر علاوه مکاتب و مراکز آموزشی و ورزشگاهها به داخل موترهای شهری نیز رخنه نموده است، حمله بر کاستر مسافربری در غرب کابل که جدیداً اتفاق افتاد چه پیامی را به مردم مخابره می کند، با این حمله که اکثر سرنش پتان آن مردم کارگر و مالکان کراچی شهری بودند می خواهند این حرف را به مردم افغانستان بگویند که

آنان هیچگاه از جنون قتل و خونریزی دست بردار نیستند. کارگران داخل شهر ربطی به تغییرات سیاسی ندارند که طالبان کمر به کنش آنان بسته است. این مورد را اگر به هدف تبلیغات منفی و ایجاد فضای تشنج هم مرتکب گردیده باشند

نزدیک به یکسال است که پروسه صلح بین الافغانی افتتاح گردیده است؛ اما آغاز آن تا کنون در هاله ی از ابهام قرار دارد، هر چند هیأت گفتگو کننده دولت به امید اینکه یک صلح یا عزت را برای مردم افغانستان به ارمنان بیابورد وارد دوحه گردیده اند؛ اما رخ دیگر آن هیأت طالبانی است که آیا هنوز با بهانه تراشی های مختلف به این پروسه ملی



پشت پا می زنند یا واقعاً صلح خواهی را باور نموده و از این فرصت طلایی به هدف ختم جنگ، گفتگوها را آغاز خواهند کرد. آنچه که از انتحار و انفجار روز افزون در کشور مشاهده می گردد این مسئله در ذهن برجسته می گردد که این گروه تنها میلی

روز جهانی کودک

شش میلیون کودک در افغانستان در معرض خطر قرار دارند

وزارت کار و امور اجتماعی به مناسبت روز جهانی کودک می گوید که شش میلیون کودک در افغانستان در ۲۳ کنگوری در معرض خطر قرار دارند که یک میلیون آن معنای به مواد مخدر می باشند.

غلام حیدر جیلانی، معین امور اجتماعی وزارت کار و امور اجتماعی در مراسم تجلیل از روز جهانی کودک در کابل، از میزان بالای آسمبندیزی کودکان در افغانستان ابراز نگرانی کرد.

آقای جیلانی گفت که بر اساس تخمین استراتژی ملی کودکان افغانستان؛ شش میلیون کودک افغانستان در ۲۳ کنگوری در معرض خطر قرار دارند.

او افزود که این تعداد کودکان شامل کودکان یتیم، بی سرپرست، قربانی جنگ، معنای به مواد مخدر، کودکان در حال انتقال از یک ولایت به ولایت دیگر و یا از یک ولایت به ولایت دیگر، کودکان برگشت داده شده از خارج، کودکان دارای عقب ماندگی ذهنی، کودکان دارای معلولیت می شوند.

آقای جیلانی گفت: «بر اساس آمار معنیت مبارزه با مواد مخدر، یک میلیون طفل در افغانستان معنای به مواد مخدر هستند و همچنان به اساس آمار یونسف از هر ۱۰ طفل افغانستان ۷ تن آن مورد خشونت قرار می گیرند.»

معین وزارت کار و امور اجتماعی بیان داشت، ۴۸ درصد کودکان افغانستان ازدواج زیر سن و ۸۰ درصد ازدواج اجباری دارند و همچنان ۷۷ درصد کودکان مورد لت و کوب قرار می گیرند. به گفته آقای جیلانی، ۶۶ درصد کودکان در افغانستان رشد فزینگی نکرده و ۳۶ درصد دیگر سو تغذی اند، ۱۷۴ هزار کودک افغان دارای معلولیت اند و از هر ۳ طفل یک تن آن گدایی می کنند.

وی با بیان اینکه بوجه حمایت از اطفال آسیب پذیر در افغانستان از ۲۲ میلیون افغانی به ۵۰ میلیون افزایش یافته است گفت: «ما در حال حاضر ۴۹۰ باب کودکستان داریم و سالانه ۲۵ الی ۳۰ هزار کودک را مورد حمایت قرار می دهیم که اکنون ۱۰ هزار طفل یتیم در ۶۸ پرورشگاه ما زیر پوشش حمایتی قرار دارند.»

آقای جیلانی گفت: «ما بیش از ۲۰ سند ملی و بین المللی را برای حمایت از اطفال آسیب پذیر تطبیق می کنیم و تلاش داریم با ایجاد پرورشگاه های دولتی و خصوصی کودکان آسیب پذیر را زیر پوشش حمایت خویش قرار دهیم و میزان اطفال در معرض خطر را از ۲۳ یخشی به صفر برسانیم.» او افزود: «ما مراکز حمایت از اطفال را در کابل، بامیان و ننگرهار ایجاد کردیم و تلاش داریم در تمام ولایات افغانستان این مراکز را ایجاد کرده

«بر اساس آمار معنیت مبارزه با مواد مخدر، یک میلیون طفل در افغانستان معنای به مواد مخدر هستند و همچنان به اساس آمار یونسف از هر ۱۰ طفل افغانستان ۷ تن آن مورد خشونت قرار می گیرند.»

معین وزارت کار و امور اجتماعی بیان داشت، ۴۸ درصد کودکان افغانستان ازدواج زیر سن و ۸۰ درصد ازدواج اجباری دارند و همچنان ۷۷ درصد کودکان مورد لت و کوب قرار می گیرند.

به گفته آقای جیلانی، ۶۶ درصد کودکان در افغانستان رشد فزینگی نکرده و ۳۶ درصد دیگر سو تغذی اند، ۱۷۴ هزار کودک افغان دارای معلولیت اند و از هر ۳ طفل یک تن آن گدایی می کنند.

وی بیان داشت: «از میان بیش از ۵ هزار کودک که با آنها مصاحبه شده است بیش از یک میلیون آن مورد خشونت های فزینگی، روانی و اقتصادی قرار گرفته اند.»

به اساس معلومات اداره احصایه ملی از ۲۲.۷ میلیون نفوس کشور ۱۸ میلیون آن زیر سن ۱۸ سال و ۵ میلیون دیگر زیر سن ۵ سال قرار دارند.



پیرامون عبادت و تفکر

و اگر عبادت را کسی در همان اراد واذکار خلاصه کرده وتمام عبادت شان در خطبه ها و موعظه های حضرت ملا ومولوی انحصار یافت و همه چیز بی‌ای عبد رنگ تقصیر گرفت باید به این عبادت ویدنداری شک کرد.

دینداری معرفت مستلزم آنست که حد دین روز راستین در بر تو اندیشیدن تکل جدی در کراخ باورها و عقاید دینی و مسله عبادت شان ایجاد کند و با شک مقدس این گرایش متافیزیکی و توحیدی را به چالش بکشد. زیرا هر عبادت نوعی عروج کردن است و نه مقلد این و نه میراثی.

عبادت در همان مفهوم ابتدایی خویش، یک سلسله اعمال را متعبدانه بجا آوردن است. متعبدانه یعنی تعبد داشتن، مطیع، آرام و بی چون وچرا بودن است. به عبارت بهتر، تعبد دینی، یعنی دینی بدون سوال و عبادت تعبدی یعنی بجا آوردن یک سری اعمال بدون آشنایی با اسرار آن. این معنای عبادت متعبدانه است در اصول فقه که زیر بنای فقه و شریعت اسلامی است. عبادات را دایره عنوان کرده است: عبادت تعبدی و دیگر عبادت توملی. معنای عبادت تعبدی همین است که عبد بدون آگاهی از فلسفه و حکمت آن و بدون سوال در بر سر ی آن آباد انجام دهد و بجا آورد عبادت تعبدی

یعنی عبادت برده گونه که عبد سرسریه‌گی مطلق به معبود خویش داشته باشد. آنسوی دیگر، روایات دینی میگوید که یک ساعت فکر کردن بهتر از هفتاد سال عبادت است و اما حقیقت و ماهیت فکر کردن، به وجود آوردن موج سوال، چون وچرا نمودن و ارزیابی و بررسی کردن و سبک و سنگین نمودن است. بنابراین آیین عبادت متعبدانه با فکر کردن یک نوع پارالوکسیکال نیست؟ و آیا این تناقض در متن دین نهفته نیست؟ در قرآن آمده که «ستابواهل الذکر ان کتم لامعلمون» (سوره نحل، آیه ۴۲). آیا در سوال قیراط است؟ آیا تنها از اهل ذکر سوال شود؟ یعنی تنها دسته

ی حق دارند که از آنها سوال شود و از دیگران نه؟ اگر سوال قوه‌ی شناخت و فکر انسان را از تقاضای بخشد باید حد و مرزی برای ایجاد نکرده و خط قرمز تعیین نکند و هر کس در حد توانایی فکری خویش به حل سوال متمسک شود، یعنی هم مورد سوال واقع شود و هم کننده باشد. چرا تنها اهل ذکر این امتیاز را داشته باشد؟ و حتا بعضی مذاهبی اسلامی گفته که اسوال بدعه یعنی فتوا به حرمت سوال دانه است؛ بدعت بدون سوال در جای است که مورد سوال مرید به به مقدساتی دینی و مذهبی باشد. وقتی مولاری از یا حدیث شفاف نبوده و معنای شان واضح نباشد به عبارتی آیه ی قرآن و حدیث از «محکمت» نباشد، در اینجا اسوال بدعه تحقق پیدا میکند اما اکنون، این پارالوکس چگونه باید حل شود؟ یا در ایوان عبادت متعبدانه باید آذان فکر را مطمئن انداز کرد و یا فریاد مهیب و ترسانه، سکوت ایوان عبادت متعبدانه را برپشان و آشفته ساخت یا اینکه با بعمای عبادت تعبدی فرشته ی فکر را خفه کرده و این نیروی جست و جالاک را به صلیب کشیده و گالیه وژ به توبه اش مجبور سازد و تا «فکر» همپر سکوت بر لب شان زده، خاموش بوده و خون بخورد؛ چه کار باید کرد؟ کدام یک تعبد یا تفکر؟

علامه سید محمد حسین طباطبایی، بدون اینکه از عبادت تعبدی سخن بگوید و میگوید قرآن بشر را به تفکر و تعقل فراخوانده است: اگر در آیات قرآن تبعیع و تفحص نموده و در آنها به دقت تدبر نمایی، خواهی دید که بشر را شاید بیش از

سید محمد سوره: «به تفکر» تذکر» و «یا تعقل» دعوت نموده و یا به رسول گرامی خود یادآوری می‌شود که با چه دلیلی حق را نایست و با باطل را ابطال کند و خلاصه کلام اینکه از این آیات می‌توان فهمید که راه صحیح تفکر از نظر قرآن چه راهی است و ما در اینجا به عنوان نمونه چند آیه را می‌آوریم (توجه فرمائید): «قل فبما ننبئک من الله شئنا ان اذ ان ننبئک لتسبحن لئن مررنا و آمنة»؛ که ترجمه‌اش گذشت و در حکایت اینکه نبیا و اولیایش چون نوح و ابراهیم و موسی و سایر انبیای بزرگوارش و لقمان و مؤمنان اول فرعون و

سپار اولیایش در برابر خصم چه جور استدلال کرده‌اند فرموده: «وَقَالَ رَبُّنَا لَأُفِي لَهِ شَكَّ قَابِلُ الشُّمُولَاتِ وَالْأَرْضِ» ۱۶ و نیز فرموده: «وَإِذْ قَالَ لِقْمَانَ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعْطَلُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ نَظْمٌ عَظِيمٌ» ۱۷ و نیز فرموده: «وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ» ۱۸ و در حکایت از ساحران فرعون فرموده: «فَالْوَالِدَاتُ يُغْزِيْنَ عَلَى مَا جَاءنَّ مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَّرْنَا فَانفُسًا مَا لَأَنَّ فَانِي إِيمَانًا تَقْنِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» (۴)

(ترجمه تفسیر امیران، ص ۴۱۶)

در ادامه میگوید قرآن در هیچ موردی بشر را به عبادت کورکورانه دعوت نکرده است؛ خدای تعالی در هیچ جا از کتاب مجیدش حتی در یک آیه از آن بندگان خود را مامور نکرده به اینکه او را کورکورانه بنگری کنند و یا به یکی از معارف الهی امانی کورکورانه بیاورند و یا طریقه‌ای را کورکورانه نمانند، حتی شرایعی را هم که

تشریح کرده و بندگانش را مامور به انجام آن نموده، با اینکه عقل بندگان قادر بر تشخیص ملامت‌های آن شرایع نیست مع ذلک آن شرایع را به داشتن اثری تغلیب کرده (یا بشر خود را محتاج به آن آثار می‌داند و یا به آنان فهمانده) که محتاج به آن آثار هستند نظیر نماز، که هر چند عقل بشر عاجز از تشخیص خواص و ملامت‌های آن است؛ لیکن با این حال وجوب آن را تغلیب کرده به اینکه نماز، شما را از فحشاء و منکر باز می‌دارد و البته یاد خدا اثر بیشتری دارد: «إِنَّ الْعِبَادَةَ لَتَهَيِّئَ غِنًى الْفَقْرَاءِ وَالْمُنْكَرَ وَالذِّكْرَ لِلَّهِ أَكْبَرُ» ۱۹ در باره روزه فرموده: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الْبَنِيَّانِ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» ۲۰

و در باره وضو فرموده: «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَيُطَهِّرَ الْكُتُبَ وَيُخْبِتَ لَكُمْ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ» ۲۱ و آیاتی دیگر از این قبیل، ترجمه تفسیر امیران، ص ۴۱۷

آنچنان که از فراز نقل قول‌های علامه طباطبایی بیادست که در متن قرآن سخن از «تفکر» و «تعقل» است و هم چنان خاوند عبادت کور و کورانه را از بنده اش نمی‌پذیرد زیرا عبادت و بندداری آگاهانه و توم با تعقل باشد درین حال خود

واژه عبادت متضمن معنای تعبد است، از سوی دیگر، حقیقت و ماهیت عبادت تفکر است اصل این ایزد گزاره‌های فراولکسیکال را چگونه حمل کرده؟ یا بر این بهترین عبادت کلنجار رفتن با همین گزاره‌های متضاد نما و متناقض نما است.

اگر عبادت، دعا، نیایش و رفتن بسوی اقامه الله میبندی بر بصیرت و آگاهی باشد؛ تاگزیر

آدمی را به حل این بارانو کس ها فرامی‌خواند در صورتی که دیندار آخوندزده باشد واز شهبه، شک، تردید و از تناقض بپزد و دینداری را به عقیده ای عیلم بی میران، «برای چنین دینداری، دین همان تقلید میرانه طاعت و است آوردن شعار و مناسک دین است. در ساخت دینداری واقعی، بهترین عبادت کلنجار رفتن با سوال است. جامعه شیعی، به جای شعارهای مانند «منجی علم بشریت»، «الاسلام یعلموا ولا یعلم علیها»، «الاسلام هو الجلل»، «علی شهید عدالت»، «علی قرآن ناطق»، «شریعت ناب محمدی» و... طرف قیمت های خویش را به علم کلام معطوف سازند، زیرا جز با فکر کردن در باره ی مفاهیم و مقوله های دینی، زمستان یخ زده ی فکری وجود ذهنی جامعه اسلامی و تمدن اسلامی قابل علاج نخواهد بود.

حقیقت و ماهیت عبادت، فکر کردن است. بنابراین دینداری ما در رابطه با دین همان سوال های ما است که از دین داریم و نه اولاد و الاکال های تکراری و بدون فکر و بدون روح

پانوشته‌ها

- ۱) آیا در خدای تعالی که پدید آورنده آسمان‌ها و زمین است تردیدی هست؟ سوره ابراهیم، آیه ۱۰.
- ۲) و آن زمان رای به یاد آر که لقمان در حالی که فرزندش رای موعظه رای می‌کرد به وی گفت: پسرم زبهار که به خدا شرک پوزی که شرک ظلمی عظیم است» سوره لقمان، آیه ۱۳.
- ۳) و مردی از آل فرعون که ایمن خود رای بنهانی می‌داشت به فرعونیان گفت: ایما مردی رای به قتل می‌رساید که می‌گوید: پروردگار من الله است و از ناحیه پروردگار تان معجزات روشن آورده؟» سوره غافر، آیه ۲۸.
- ۴) به فرعون گفتند: به آن خدایی که ما رای بیافریده هرگز تو رای بر این معجزات روشنی که برای هدایت ما آمده ترجیح نمی‌دهیم. حال تو هر حکمی که می‌خواهی علیه ما بکن، زیرا هر حکمی که بکنی تنها علیه زندگی مادی دنیای ما کرده‌ای و دست تو از حقیقت ذات ما و زندگی واقعی ما کوتاه است» سوره طه، آیه ۷۲.
- ۱) سوره عبودیت، آیه ۴۵.
- ۲) روزه بر شما واجب شده آن چنان که بر امت‌های قبل از شما واجب شده بود و این بدان جهت است که روزه باعث قدرت شما بر تمکک نفس می‌شود» سوره بقره آیه ۱۸۳.
- ۳) خدای تعالی در تشریح وضو نخواست است که بی جهت تکلیف شما را سنگین کند بلکه خواسته است که شما را پاک نموده و نیز نعمت خود را بر شما تمام نماید، باشد که شما شکر کنید» سوره مائده، آیه ۶۴.

تذکر: ترتیب ترجمه اینک مطالب با صفحه‌های امیران صورت گرفته و من تصرفی در آن نکرده ام و علاقمندان می‌توانند به خود کتاب مطابق با آدرس ارائه شده مراجعه کنند.

گفتمان جامعه مدنی چیست؟

سید یعقوب نوید

جامعه مدنی گرچه جذا از دولت است اما الازم نمی‌کنند دولت نیست بلکه می‌تواند در همکاری و تعامل متقابل در جامعه با دیموکراسی و مدیریت سالم اجتماعی همکاری داشته باشد. چنانچه آزادی بیان و نظاره‌هاست معاملات آمیز خود زمینه ساز

فرایند دولت ملت سازی را رشد و توسعه بخشد. از سوی دیگر وجود جامعه مدنی زمینه ساز فضای مشارکت عمومی را تسریع بخشد. چنانچه حقوق بشر و حقوق شهروندی را از قالب‌های تئوریک آن وارد میبلان پراکتیک و عمل نموده دینی نهانینه شدن این مفاهیم تلاش میکند. بصورت کلی میتوان گفت وجود جامعه مدنی مشارکت مردمی و سازماندهی دولتی را بسوی رفاه عمومی هماهنگ و جهت مند میسازد. الگو و قهرمان جامعه مدنی شهروند است که مشارکت مدنی و اجتماعی را مسولیت زندگی اجتماعی خود دانسته درجهت بهبود روابط اجتماعی جامعه فعالیت کند. یعنی با تامین ارتباطات مستمر با نهاد های مختلف اجتماعی دینی بیداری، سیاسی و سازماندهی مشارکت اجتماعی باشد میگاه عریزه، ظلم و بیعدالتی و تبعیضات قومی، آسانی و اجتماعی را درمحور مبارزات مدنی خود قرار داده. دوری و انزجار خود را از زورگویی های نظامی و استبدادی و خشونت‌های که رفاه و نظم زندگی باهمی را اخلال کند اعلان میدارد. جامعه مدنی می‌تواند ایجاد گر، آسزری دهنده و تغذیه کننده خیزشهای مدنی در بستر تحولات اجتماعی باشد. و با

کند و نگذارد. دکانتوری درسیهای دولت صلاحیت های قانونی شهروندی را نقض کند. چون جامعه مدنی از شاخصهای دیموکراسی و حرکت بسوی دیموکراسیست حضور و وجود انسان دیگر اندیش و روشنگر در نهاد جامعه مدنی الزما به معنای



صرفا جهت سیاسی داشتن جامعه مدنی نیست. جامعه مدنی یک مفهوم و پدیده چند پهلو است که در دنبال اصلاح و سامان بخشیدن به نظم و نظام جامعه و نقد دولت و نایب سامانیهای جامعه موضع گیری میکند چون حضور و ظهور آن یکی از شاخصهای اساسی نظام مردمسالارست و در قتلان جامعه مدنی ارزشهای دیموکراسی به ثمر نخواهد نشست، مردم سالاری و جامعه مدنی دو روی یک سکه و مکمل همدیگر اند. جامعه مدنی منجبت نیروی متشکل مردمی نباید اجازه دهد که ارزشهای دیموکراسی و عدالت اجتماعی به وسیله نیروهای قدرت طلب، جنگ طلب قومی، مذهبی، یا به چالش کشانده شود، تفاوت بین جامعه مدنی و احزاب سیاسی اینست که احزاب سیاسی با وجود یک مانتد جامعه مدنی پیشهاد اصلاح و رفیوم گذاری در جامعه را دارند اما رهبران سیاسی شان وسوسین به قدرت است. در حالیکه جامعه مدنی دنبال حکومت و قدرت نبوده با فعالیت داوطلبانه، از طریق اتحادیه ها و سازمان های اجتماعی وارد عرصه فعالیت های سیاسی اجتماعی میشود

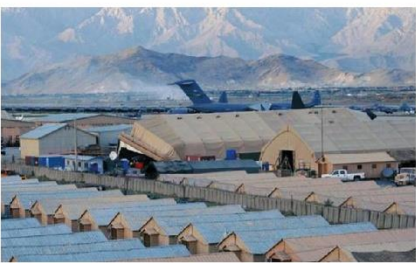
معادل واژه جامعه مدنی در غرب Civil Society است به معنای جامعه شهروندان است از جمله مفاهیمیست که عمر طولانی و رهاورد های عملی و متنوع درازند. تکامل جوامع بشری در امتداد تاریخ دارد میانی تیوریک آن از زمان ارسطو تا روزنسانس و عصر دیموکراسی همرا با تکامل جوامع انسانی

مسیر روبه گسترش را پیموده و امروز جامعه مدنی بستر زایشها و نژادی های نسلدستی که دغدغه حاکمیت قانون و دیدگاه متمدنانه برضد ناهنجار اجتماعی سیاسی استبداد قومی عقیدتی، ایدئولوژیک و تبعیضات نژادی از آنها مبارزه کنندا متناوب با نیاز زمان حال جامعه مدنی در بستر گفتامی مفید به مندوب، سیاست، و تروتن محتوایی با اقتضای زمان دارد بارکن عملی جامعه مدنی و ویژگیهای تیوریک آن که همرا با تکامل جامعه وسعت میابد جایش را از ایدال گرایهای آرمانشهر انبویایی جدا میسازد برعکس گونه پرکتیک کانون مستحکم مبارزات اجتماعی برمنای ارزشهای انسانی و عقلانی قرار گرفته تگروی ها کزروی های دولت را نقد میکند اما هیچگاه مختصر به گروه خاص و یا صنف معین از اجتماع نبوده ونیست برعکس اصناف مختلف سیاسی اجتماعی اقتصادی و رختامی مختلف هرکدام بخش کوچک از جامعه مدنی را تشکیل میدهند جامعه مدنی حوزه بیاز و مستقل از دولت بوده جلو وپنخالات وپنکنازی های بیجا دولت در امور شهروندان را میگرد. اگر فامیل راجزوه خصوصی یک خانواده

بنامیم. از دولت است هم حوزه مدیریت و اعمال حاکمیت در جهت حفظ ونگهلهاری از قانون و تامین امنیت درجغرافیای کلان قیبول کنیم. جایگاه جامعه مدنی تقریبا بین خانواده و دولت است که هویت سیاسی ایدئولوژیک مشخص نداشتند. دنبال ایجاد رفاه زندگیست نه معنای زندگی. چون معنای زندگی منطبق جاییبسی ها دیدگاه اعتقادی افراد در حوزه خصوصی آنها میشود. اما جامعه مدنی می‌تواند کانون وسکووی برای آفرین قلم های استوار درجهت بسج و تشکل نیروهای دگراندیش و پیشرو جامعه قرار گیرد. اگر جامعه مدنی منجبت یک فرهنگ در فضای زندگی اجتماعی و سیاسی نهانینه کردن تا درجهت تحقق ارادهای جمعی جامعه از طریق مطبوعات و رسانه های اجتماعی در راستای اهداف انسانی و باورالیزم سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، تسلیح و تساهل و همیگرایی با معیار های انسانی و عقلانی مبنای کار جمعی قرار گیرد، می‌تواند. دولتها را هم کنترل و مهار نموده از تمرکز بیجایی قدرت در دست یک فرد و یا یک نهاد سیاسی خاص جلو گیری

بگرام بزرگترین پایگاه امریکا به دولت افغانستان تحویل داده می‌شود

ارتش امریکا تا دو هفته میدان هوایی بگرام بزرگترین پایگاه نیروهای آمریکایی در کشور را به حکومت می‌سپارد. منابع میگویند که از دوشنبه ۱۰ جوزا روند تحویل دهی این پایگاه به وزارت دفاع کشور آغاز شده است به گزارش دقیق وزارت دفاع افغانستان نیز تأیید کرده است که بزودی پایگاه هوایی بگرام به نظامیان افغان تحویل داده خواهد شد بگرام در ۲۰ سال گذشته بزرگترین و مجهزترین پایگاه نظامی نیروهای خارجی در افغانستان بوده است این پایگاه در شمال کابل در ولسوالی بگرام ولایت پروان موقعیت دارد از طرف دیگر ظرفیت‌ها و امکانات زندان بگرام و میدان هوایی پیشرفته ای که ظرفیت نشست و برخاست هر نوع هواپیما را دارد نیز در این پایگاه موجود است.



در افغانستان در سال ۲۰۱۱ به پایگاه بگرام سفر کرده است جورج بوش در ماه دسامبر ۲۰۰۸ در سفر غیر منظره اش به بگرام آمده، بارک اوباما رئیس جمهور پیشین آمریکا در جریان ماموریتش چندبار به بگرام سفر کرده است و همین گونه دونالد ترامپ رئیس جمهور پیشین ایالات متحده آمریکا که چند ماه پیش ماموریتش پایان یافت در جریان یگانه سفرش به افغانستان به پایگاه بگرام سفر کرد و به نظامیان کشورش سخنرانی کرد.

اما اکنون قرار است تا پانزده روز دیگر این پایگاه بزرگ نظامیان خارجی به نیروهای امنیتی افغانستان واگذار شود دست کم سه منبع می گویند روند تحویل دهی این پایگاه به نیروهای امنیتی و دفاعی کشور از دیروز آغاز شده است. و وزارت دفاع افغانستان این گزارش را تأیید میکند.

در همین حال فاروق نیازی یکی از مشاورین افغان برای آمریکایی‌ها می‌گوید که پایگاه بگرام و میدان هوایی آن فرض یک شهر کوچک یکی از ممالک اروپایی یا آمریکایی است بگرام را در همین سطح مجهز ساخته اند در این مکان زیربناهای بسیار بنیادی و محکم ساخته شده است نیروهای خارجی سه میلیون تجهیزات را برای نیروهای افغانی هدیه میدهند.

یک منبع دیگر می گویند که بجز از دفاع سیستم موشکی که یک دستگاه برهنه و گزاف می‌باشد پایگاه بگرام با تمام تجهیزات اش به افغان‌ها سپرده میشود این پایگاه به گونه کامل به وزارت دفاع افغانستان تسلیم داده خواهد شد. عتیق الله امرخیل افسر باز نشسته نیروهای هوایی بگرام را در مهار جنگ یک منطقه ای استراتژیک میدانند و از همین پایگاه بگرام میوان شمال شرق و جنوب شرق را مکمل تا ساحه قندهار زیر پوشش قرار داد تا هیچ طیاره دشمن به هیچ صورت در این ساحه افغانستان وارد نشود.

استونلتریک: دیل کابل ناتو اعلام کرده که نیروهای شانرا تا ۱۱ سپتمبر ۲۰۲۱ از افغانستان خارج میکند. غیر پایگاه بگرام پایگاه‌های دیگری که در ولایت‌های مختلف افغانستان نیروهای خارجی اقامت داشتند قبلاً به نیروهای افغانستان سپرده شده است.

حمدالله محب مشاور ارشد امنیت ملی قبلاً گفته بود که نیروهای خارجی به ارزش یک میلیارد دلار آمریکایی تجهیزات شان را به نیروهای افغانستان می‌سپارد. این در حالی است که گزارشات واصله از انهدام تجهیزات و ادوات جنگی مستقر در میدان هوایی بگرام توسط نظامیان آمریکایی است که بشکل آهن پاره در بازارهای اطراف بگرام بفروش میرسد.

اتحاد اعضای حرکت اسلامی افغانستان، در وضعیت کنونی یک ضرورت است

این‌که اعضای رهبری جایگاه و منزلت سیاسی قابل توجهی ندارند سر جای خودش؛ اما سرنوشت دهها هزار جوانان که احساس تعلق به حزب حرکت اسلامی دارند نیز میهم و نا معلوم است. همه می‌دانیم که تقسیمات سیاسی امروز در نظام کنونی بر مبنای جریان سیاسی قوی و قومیت است. این را هم می‌دانیم که هیچ حزب شیعی به حد و اندازه‌ی حزب حرکت اسلامی در میان جامعه شیعه نفوذ ندارند. با این همه طول و عرض تنها عاملی که باعث گردیده است حرکت اسلامی نسبت به گذشته تضعیف گردد عدم اتحاد و یکپارچگی می‌باشد.

این و آن باید راه رفت قابل تصور است، بدتر از آن هم قابل تصور است که جریان خرد و ریز این حزب به کلی به فراموشی سپرده شده حتی سناژ سیاسیون به عنوان دنباله‌رو هم با خود بندینند. بنا بر این اگر اعضای محترم حرکت اسلامی می‌خواهند حیات سیاسی با عزت در سرنوشت سیاسی شان داشته باشند، باید گروهه اختلافات و شکر آزاری‌ها را کنار گذاشته و به فکر بقای سیاسی با عزت خود باشند. در وضعیت کنونی که حرکت اسلامی قرار دارد اگر صلح حاکم گردد هم جایگاه به این حزب وجود ندارد اگر کشور وارد فاز جنگ گردد هم این حزب برنانه و توان دفاعی برای خود که به نظر نگرفته است از این روز هر زوایه که به قضایای سیاسی بنگریم در عدم اتحاد و اتفاق تنها حرکت اسلامی قربانی طوفان تغییرات خواهد شد.

واضح است که درون هر جریان اختلافات دیدگاهها و نظرات نقش دارد؛ اما توحید دیدگاه و اتحاد پالیسی واحد حزبی هم برترین راهکار است که می‌تواند ضریب این اختلافات را کاهش داده و جریان سیاسی را به عنوان یک موجود سیال و پویا در چرخه تغییرات زنده نگاهدارد.

از این رو، وقت آن رسیده است که رهبران محترم این حزب تکان جندی به خود داده و برای بقای شان چاره‌اندیشی نمایند. وقتیکه هنوز پایگاه اجتماعی حزب در درون اجتماع پایرجاست چران‌توانیم که از این پهنه‌ی لایم را برده و خود را به صورت متحد و منسجم در کارزار سیاسی آماده نمود، در موجودیت اتحاد و اتفاق، حزب حرکت اسلامی نه تنها که در تصمیمات کلان ملی حرف برای گفتن خواهد داشت؛ بلکه دسترسی به چندین نهاد دولتی صلح که سرنوشت سیاسی افغانستان در آن رقم می‌خورد نیز هیچ حرکتی مشاهده نمی‌گردد این با این وضعیت بقای سیاسی را در فاز دوم تغییرات در سطح ملی چگونه مشاهده میکنیم. جواب واضح است اول اینکه در خوشبینانه ترین حالت، همان وضعیتی که در گذشته تکرار می‌گردید که پشت

قابل توجهی ندارند سر جای خودش؛ اما سرنوشت دهها هزار جوانان که احساس تعلق به حزب حرکت اسلامی دارند نیز میهم و نا معلوم است. همه می‌دانیم که تقسیمات سیاسی امروز در نظام کنونی بر مبنای جریان سیاسی قوی و قومیت است. این را هم می‌دانیم که هیچ حزب شیعی به حد و اندازه‌ی حزب حرکت اسلامی در میان جامعه شیعه نفوذ ندارند. با این همه طول و عرض تنها عاملی که باعث گردیده است حرکت اسلامی نسبت به گذشته تضعیف گردد عدم اتحاد و یکپارچگی می‌باشد.



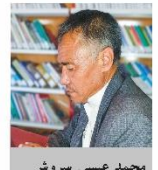
طول و عرض تنها عاملی که باعث گردیده است حرکت اسلامی نسبت به گذشته تضعیف گردد عدم اتحاد و یکپارچگی می‌باشد. امروز در تشکیل شورای عالی دولت که جدیداً رئیس جمهور در نظر گرفته است از حرکت اسلامی هیچ فردی وجود ندارد، در ترکیب هیأت صلح که سرنوشت سیاسی افغانستان در آن رقم می‌خورد نیز هیچ حرکتی مشاهده نمی‌گردد این با این وضعیت بقای سیاسی را در فاز دوم تغییرات در سطح ملی چگونه مشاهده میکنیم. جواب واضح است اول اینکه در خوشبینانه ترین حالت، همان وضعیتی که در گذشته تکرار می‌گردید که پشت

شورای رهبری حرکت اسلامی را داشت اقدام به ثبت و رجستر شاخه‌ی از این حزب نموده است که خود ضریبه جدی بر پیکر اتحاد حزب حرکت اسلامی وارد نمود این امر باعث گردید که عموماً اعضای حزب حرکت اسلامی در تعاملات کلان ملی به فراموشی سپرده شود. افراد و اشخاص آن در سرگردانی مطلق قرار گیرند. حزبی که با آن سابقه درخشان تا حد معاون صدر اعظم در بدنه نظام چک داشت اکنون کارش بجایی رسیده است که یک مشاوریت هم نمی‌تواند برای خودش دست و پا کند. این‌که اعضای رهبری جایگاه و منزلت سیاسی

پیرامون عبادت و تفکر

معنای عبادت و تبدیل به عادت شده و موجب عروج عابد به پیشگاه معبود نمی‌شود. عبادت اگر بلقی کسی است که در راستای عبادت به فراگیری درس توحید و خداشناسی برخاسته و از لحاظ روحی و روانی وسعت پیدا کند و مریض‌های ملای را در نوردد و تخته بندهای فیزیکی را به در لانداخته و در فضایی علم بیکران عالم فتنس به طیران آید. کسانی که در مقام خداشناسی ناکام و شکست خورده باشند نماز خواندن، حج رفتن و روزه داری در ماه رمضان برای او هیچ گونه برکاتی ملای و معنوی نخواهد داشت، حاصل به توحید چگونه می‌تواند در مقام عبادت بنده با معرفت و شایسته باشد؟ عبادت بدون معرفت تنها یک خصم و راست شدن و یک عمل ظاهری و با الاخره عبادت برای او یک عادت روز مره گردیده و نیست آنچه که عبادت را معنای ساخته و روح می‌بخشد و معراج عابد به حساب می‌آید شناخت عبادت کننده از عبادت است. آنچه‌ی که فراتر از عبادت است «اندیشیدن» بطور

مطلق است، و علما و دانشمندان اسلامی قابل است که برتری شهبای قنور در ماه رمضان، نه تلاوت قرآن است و نه نماز خواندن، بل به جهت تأملات است که در آن شهبای آسوی احیای هر شب زنده دارن صورت می‌گیرد. یعنی در مراسم «احیاء شب های قدر»، و در انجام دادن مراسم حج و در بجا آوردن نماز و نیایش، باید نیروی خرد، اندیشه و فکر برانگیخته شود و عابد علاوه بر عودیت چراغ فکر را نیز در وجود خود مشتعل نموده و نیروی اندیشیدن را به بدل سازد. در روایات آمده که «فکر ساعه خیر من عبادت سبعین سنه» یعنی یک ساعت فکر کردن برتر از هفتاد سال عبادت است. اگر این نیرو همچون در ماه رمضان و در هنگام عبادت دچار رکود و انجماد گردید و آنگه فهمیده می‌شود که روزه دار و نماز خوان چندان سیمه با خطی آنچنان که شباهت به است. از این عبادت نبرده است و فقط رنج گریستن و تشنگی و خصم و راست شدن را متحمل شده است. عبادت فکر کردن است.



محمد عیسی سروش

در فرهنگ دینی، مان، بندگی حضرت حق در گرو عبادت و بندگی است. اما گونه عبادت در پیوسته و معنوی و عبادت نظری و عبادت عملی. بنده ای موفق و عابد واقعی کسی است که بر این دو بعد اشرف داشته و معرفت به عبادت آنرا و تعلقات آن داشته باشد. عبادت، نیایش و پرستش ذات حق، بهترین راه و وسیله است که پرستشگر از این راه با ابعاد وسیع توحید آشنا شود و به مفهوم واقعی عبادت، خویشتر را نزدیک سازد. عبادت چیزی نیست جز شناخت توحید و عمل کردن مطابق با دستورات عملی توحید که از آن تغییر به توحید عملی می‌شود. عودیت واقعی یک عابد در گرو آگاهی عمیق او از توحید نظری و عملی و تقاسم توحید می‌باشد. بدون آگاهی از توحید عبادت عابد نیز بی